

## جایگاه وحدت، در سیاست خارجی دولت اسلامی

ضامن علی حبیبی\*

### چکیده:

یکی از مفاهیم ارزشی، مفهوم وحدت است که در قرآن مجید و سنت معصومین علیهم‌السلام به حفظ و رعایت آن در جامعه اسلامی توصیه‌های اکید شده و نسبت به پیامدهای منفی نفاق در عرصه حیات سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی هشدار داده شده است. از طرف دیگر، وحدت و هم‌پستگی از امور ارتکازیه عقلایه است که خرد همگانی به ضرورت آن حکم می‌کند و شخص دارای فطرت سالم هیچ‌گاه برخلاف وحدت صحبت نخواهد کرد و لولو این‌که در مقام عمل، به آن پای‌بند نباشد.

در این نوشتار ضرورت و اهمیت وحدت در سیاست خارجی دولت اسلامی تبیین گردیده است. دولت‌های اسلامی اگر به محور مشترک در سیاست‌گذاری، مانند رهبری و مرجعیت دینی - سیاسی (پیامبر و امام معصوم)، وحدت در نظام حقوقی و مبنای قانون‌گذاری (قرآن، سنت) و وحدت امت توجه نمایند و در سیاست‌گذاری‌های خود منافع امت اسلامی را مد نظر قرار دهند، با وحدت، هم‌پستگی و انسجام دینی می‌توانند ضمن در پیش‌گرفتن راه کارهای زیر در نظم بین‌المللی اثرگذار باشند:

الف) کم‌رنگ نمودن بحث‌های سرزمینی و مرزی؛ زیرا یکی از چالش‌های بزرگ فراوی اتحاد در سیاست خارجی کشورهای اسلامی اختلافات مرزی است؛

ب) انعقاد پیمان‌های دفاعی مشترک به منظور دفاع از سرزمین اسلامی (دارالاسلام) با الگوگیری از میثاق و منشور مدینه و پرهیز از ورود به پیمان‌های دفاعی با کشورهای غیر اسلامی؛

ج) ایجاد شرکت‌های فراملیتی با هدف راه‌اندازی و جذب سرمایه‌های معطل در کشورهای اسلامی و نهادینه نمودن فرهنگ تولید به جای فرهنگ مصرف؛

د) حذف واگرایی مذهبی و جلوگیری از بروز تشنج مذهبی و فرقه‌ای در بین پیروان فرقه‌های مختلف اسلامی.

اگر سیاست‌گذاران دولت‌های اسلامی با وحدت و هم‌دلی به مسایل جهانی نظر داشته باشند در نظم بین‌المللی نه تنها اثرگذار، بلکه تصمیم‌گیرنده خواهند بود.

واژگان کلیدی: وحدت، سیاست و روابط بین‌المللی، دولت، اسلام و امت.

## مقدمه

بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی مارکسیسم، گفتمان جدیدی، با عنوان جهانی شدن، در عرصه بین‌المللی پدید آمد و بر روابط بین‌المللی و سیاست خارجی کشورهای جهان سایه افکند و طرفداران و تئوری‌پردازان این نظریه، از پایان تاریخ و پیروزی لیبرالیسم و دموکراسی، به عنوان مکتب فکری برتر خیر دادند و گفتمان جهانی سازی را به عنوان یک پروژه فراروی سیاست‌گذاران و متفکران جهان قرار دادند.

در چنین شرایطی، وضعیت بر نخبگان و متفکران اسلامی لازم است با تمسک به متون دینی، راه کارهای مناسبی را فرا روی سیاست‌گذاران جهان اسلام قرار دهند تا آنها با توجه به آن بتوانند در بازی بین‌المللی، متحد و یک‌پارچه ظاهر شده، از مرزهای اعتقادی و اقتدار و عظمت اسلامی دفاع نمایند و در بازی بین‌المللی به عنوان یک نیروی اثرگذار در صحنه حضور داشته باشند.

این هدف در صورتی برآورده می‌شود که سیاست‌گذاران کشورهای اسلامی، متحد و یک‌پارچه با تدوین راهبردهای معین و منشور وحدت اسلامی، به صورت هماهنگ وارد بازی بین‌المللی شوند. وحدت یکی از مفاهیمی است که در متون دینی نسبت به آن تأکید زیادی شده است و مسلمانان به پرهیز از تفرقه و اختلاف دعوت شده‌اند. در این نوشتار جایگاه وحدت در سیاست خارجی دولت اسلامی ترسیم می‌گردد.

## گفتار اول: مبانی وحدت

وحدت یعنی دست یافتن به نوعی یگانگی و همگونی در منافع و اهداف. منافع و اهداف دو واژه کلیدی و خمیرمایه انسجام و یگانگی هر مجموعه‌ای است. پس وحدتی که منافع و اهداف اسلامی در آن مورد نظر باشد، وحدت اسلامی خوانده می‌شود. وحدت اسلامی یعنی ایجاد نوعی یگانگی و همگونی بین منافع و اهداف. کسانی که دارای خدایی واحد، پیامبری واحد و کتابی واحد به نام قرآن هستند و هدف آنها سعادت بشر و رسیدن به قرب الهی است می‌توانند دارای اهداف و منافع واحد باشند و تمام تلاش‌های آنها معطوف به رسیدن به آن هدف باشد. پیامبر گرامی اسلام مسلمانان را «بید واحده» در مقابل دیگران دانسته است. مراد از وحدت امت اسلامی این است که مسلمانان در حکم فرد واحد باشند؛ «ذمة المسلمین واحده یسعی بها ادناهم، وهم ید علی من سواهم» (بخاری، ج ۳، ص ۲۶).

بنابراین، توحید، رسالت و کتاب آسمانی (قرآن مجید) محور و ارکان وحدت امت اسلامی محسوب می‌شود و بدون این سه رکن وحدت امت اسلامی شکل نخواهد گرفت.

مراد از وحدت و اخوت اسلامی که در منابع و متون دینی بیان شده است آن وحدتی است که

بشریت را به سوی خدای واحد و هدف واحد سوق دهد. قرآن مجید مبانی نظری و تئوریک وحدت را بیان نموده است. برای ایجاد وحدت امت اسلامی سه رکن به عنوان پیش فرض و مبنا باید مد نظر قرار گیرد:

الف) وحدت در رهبری و مرجعیت دینی؛ جهان اسلام باید رهبری و زعامت سیاسی پیامبر گرامی اسلام را در اندیشه و عمل پذیرفته باشد و با الگوگیری از سیره سیاسی آن حضرت در جهت ایجاد وحدت و هم‌بستگی تلاش نماید. تمسک به سیره سیاسی پیامبر ﷺ راه کار مناسبی برای تحقق وحدت امت اسلامی می‌باشد. امام علی علیه السلام در مورد جایگاه رهبر در تأمین وحدت امت اسلامی می‌فرماید: «وَمَكَانَ الْقِيمِ بِالْأَمْرِ مَكَانَ النِّظَامِ مِنَ الْحَزْزِ وَيَجْمَعُهُ وَيُضَمُّهُ فَإِذَا انْقَطَعَ النِّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَزْزُ وَذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحِذَائِهِرِهْ أَبَدًا! نَقَشَ زَمَامِدَارٍ نَسَبَتْ بِهِ مَلْتٌ هَمَانْتَدَ رَشْتَهْ أَيْ اسْتَكَهْ مَهْرَهْهَا رَا جَمْعَ نَمُودَهْ وَبِهْ يَكْدِيْغِرْ پِيُونْدَ مِيْ دَهْدَهْ، پَسْ اِگْرَ رَشْتَهْ بَگْسَلْدَ دَانَهْ اَزْ هَمْ مِيْ يَاشْدْ وَ هَرْگَزْ تَمَامْ اَنَهَا جَمْعَ نَمِيْ شُود» (نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۳، ص ۵۲).

ب) وحدت در نظام حقوقی؛ نظام حقوقی‌ای که بتواند تمام امت اسلامی را پوشش دهد باید از منبع وحیانی سرچشمه گرفته و مظهر تجلی اراده تشریعی خداوند باشد. قرآن کریم به عنوان سند جاودانگی و جهان‌شمولی اسلام می‌تواند محور و منبع وحدت نظام حقوقی اسلام باشد. در کنار قرآن، سنت نیز به عنوان تفسیرکننده کلیات قرآن مبنای نظام حقوقی اسلام است. این وحدت در نظام حقوقی رکن وحدت امت اسلامی محسوب می‌شود و تعالیم عزت بخش و افتخارآفرین اسلام موجب وحدت و محور مشترک تمام دولت‌های اسلامی است. «اسلام دین یک یا چند قبیله نیست، اسلام خاص یک سرزمین و یا یک منطقه و یا بخشی از کره زمین نیست، دعوت اسلام مربوط به یک عصر و یا یک دوره از ادوار زندگی بشریت نمی‌باشد، آن‌چه از قرآن به دست می‌آید جهان‌شمولی و جاودانی بودن این دیانت الهی است» (مدنی، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۹۲). طبق آموزه‌های قرآنی، سیاست‌گذاری‌های دولت‌های اسلامی باید بر مبنای جهان‌شمولی اسلام باشد و مصالح امت اسلامی مورد توجه قرار گیرد نه سیاست‌های سرزمینی و نژادی و...

ج) «وحدت امت؛ رهبر سیاسی و مرجعیت در امت همانند قلب نسبت به انسان، و امت چونان کالبد انسان است و نظام حقوقی، قانونی است که قلب به وسیله آن بر اندام آدمی حکومت می‌کند، پس هر گاه یکی از این ارکان و پایه‌ها از میان برود معادله به کلی به هم می‌ریزد و قلب یا رهبری سیاسی و مرجعیت همانند پادشاهی بی‌یار و یاور و ملت خواهد ماند و نظام حقوقی صرفاً به کتابی قانونی تبدیل می‌شود که کاری صورت نمی‌دهد و امت نیز مانند دانه‌های تسبیحی می‌شود که بند آن پاره شده و هر دانه در جایی رها و پراکنده می‌گردد. (یعقوب، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۸۷).

بنابراین، برای شکل‌گیری وحدت اسلامی عناصر سه‌گانه رهبر و مرجعیت دینی، نظام حقوقی وامت متحد و یک‌پارچه ضروری است.  
قرآن مجید مؤلفه‌های زیر را برای وحدت بیان می‌نماید:

### الف) وحدت بشریت

از منظر قرآن کریم تفاوت‌های ظاهری، شکلی، زبانی و جنسی انسان‌ها و قرار گرفتن آنان در شعبه‌ها و گروه‌های متفاوت، جهت شناسایی آنها است و تنها ملاک برتری، تقوا و پرهیزگاری است؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا هم‌دیگر را بشناسید (نه این‌که به وسیله ملیت‌ها و قومیت‌ها بر هم‌دیگر فخر بفرروشید) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تفاوت‌ترین شما است» (حجرات/۱۳).

در این آیه فلسفه خلقت و این‌که چرا انسان‌ها به صورت ملیت‌های مختلف و قبیله‌های گوناگون خلق شده‌اند، این‌گونه بیان شده است که همان‌طور که رنگ، شکل و اندازه قد، وسیله بازشناسی است، همچنین داشتن ملیت‌های گوناگون و انتساب به قبیله‌های مختلف، مایه امتیاز و شناسایی افراد از یک‌دیگر است (سبحانی، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۸۶). مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: «مراد از ذکر و انثی در قرآن کریم آدم و حوا است؛ یعنی قرآن کریم می‌فرماید که خداوند همه انسان‌ها را از یک پدر و مادر آفریده است، تمام انسان‌ها در والدین اشتراک دارند بدون این‌که فرقی وجود داشته باشد بین سفید و سیاه و عرب و عجم. این‌که خداوند انسان‌ها را به صورت گروها و قبیله‌های مختلف تقسیم نموده است کرامت و فضیلت برای آنان محسوب نمی‌شود بلکه برای این است که هم‌دیگر را بشناسند و زیربنای یک زندگی اجتماعی شکل بگیرد (طباطبایی، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۲۶). پیامبر گرامی اسلام در پاسخ کسانی که مسئله نژاد و قومیت را عامل برتری طلبی و فخرفروشی می‌دانستند، فرمود: «یا ایها الناس ان ربکم واحد و اباکم واحد کلکم لآدم و آدم من تراب ان اکرمکم عند الله اتقکم لیس فضل لعربی علی عجمی ولا عجمی علی عربی ولا لا حمر علی ابیض و لا ابیض علی احمر فضل الا بالتقوی الا بلغت... فاشهد الا فلیبلغ الشاهد منکم الغایب (پشین، ص ۳۳۴). این حدیث شریف در حقیقت تفسیر آیه ۱۳ سوره حجرات است. «به هنگام ظهور اسلام جامعه بشری در بیداد امتیازات قومی و نژادی می‌سوخت و مردم با تفاوت‌های بنیادی تقسیم شده بودند. فرهنگ اسلامی تافخارات و امتیازات طبقاتی و نژادی و قومی را از میان بر داشت. پیامبر از همان آغاز خود را بنده‌ای از بندگان خدا شمرد و صریحاً اعلام نمود که میان سفید قریشی و سیاه حبشی

کوچک‌ترین تفاوتی نیست و یگانه مبنای برتری تقوا است که آن نیز موجب بهرمندی بی‌دلیل کسی از امتیازات اجتماعی نخواهد بود. بنابراین سیاستی که جهت تبعیض نژادی و قومی و قبیله‌ای داشته باشد هر چند که در حوزه اسلامی اعمال و اجرا شود سیاست اسلامی نیست (مدنی، کلیات علوم سیاسی، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۲۳). در سیاست خارجی دولت اسلامی ارزش‌ها باید معیار باشد نه گرایش‌ها.

### ب) وحدت ادیان توحیدی

با توجه به این‌که همه ادیان توحیدی ریشه در تعالیم وحیانی داشته و برگرفته از اراده تشریحی خداوند می‌باشند طبیعی است که احکام و مقرراتی که در تمام ادیان آسمانی آمده است برای سعادت و صلاح جامعه بشری است. از جمله اصول مشترک در تمام ادیان، اعتقاد به وجود خدای واحد است و تقرب به خداوند با انجام عمل صالح ممکن خواهد بود و تمام پیامبران الهی با ارائه سه اصل مشترک و مورد وفاق (توحید، رسالت و معاد) مردم را به وحدت در مبدأ وحدت و در معاد و منتهای وحدت دعوت نموده‌اند و در این مورد «تا آن‌جا که به اسلام و مسلمانان مربوط می‌شد آموزه‌های اسلامی مهم‌ترین رکن این اتحاد به شمار می‌رفت هر چند به لحاظ این‌که اسلام در آغاز راه بود نباید چندان سخت‌گیری می‌شد. مهم‌ترین آموزه، قوت بخشیدن به گرایش توحیدی در جامعه و به وجود آوردن یک عقیده مشترک به خداوند بود. البته توحید تنها عبارت از پذیرفتن یک ذات واحد و حتی عبادت او نبود بلکه توحیدی مورد نظر بود که خداوند را به عنوان حاکم و صاحب ولایت مطرح کرده و رسولی نیز برای اعمال حکم و ولایت به میان مردم بفرستد. بر این اساس، مسلمانان باید مطیع خداوند و رسول او باشند. این اطاعت مهم‌ترین ثمره سیاسی عقیده توحیدی و اساسی‌ترین اصل برای ایجاد وحدت به شمار می‌رفت. حاصل چنین وحدتی شکل‌گیری امت واحده بود و تشکیل امت واحده برای تشکیل دولت و نظام امری بس ضروری است» (جمفریان، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۴۳۶).

### ج) وحدت امت

قرآن کریم با این‌که انسان را خلیفه خداوند بر روی زمین و شایسته بهترین تکریم‌ها و تمجیدها می‌داند ولی در عین حال هشدار می‌دهد و همه، به خصوص مسلمانان، را دعوت به الفت و مهربانی و عطوفت اسلامی نموده و آن را یکی از عوامل پیروزی پیامبر اسلام و گسترش دین مقدس اسلام معرفی می‌کند.

به طور کلی آیاتی که در قرآن کریم در مورد وحدت آمده است به سه دسته تقسیم می‌شود:  
الف) آیاتی که به وحدت امر نموده است، از جمله آیه ۱۰۳ آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً

وَلَا تَقْرُؤُوا». در این آیه اعتصام به حبل الله، محور اتحاد وانسجام امت اسلامی معرفی شده است. خداوند در آیه قبل، یعنی آیه «وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ...» تمسک به آیات خدا و رسول او (کتاب و سنت) را تمسک به خدا، و شخص متمسک و معتصم را در امان دانسته و هدایتش را ضمانت نموده است... اما در این آیه به اعتصام به حبل الله توصیه نموده است؛ در نتیجه، به ما فهمانده است که اعتصام به خدا و رسول اعتصام به حبل الله است؛ یعنی «آن رابطه و واسطه‌ای که بین عبد و رب را به هم وصل می‌کند و آسمان را به زمین مرتبط می‌سازد، چون گفته شد که اعتصام به خدا و رسول، اعتصام به کتاب خداست که عبارت است از وحیی که از آسمان به زمین می‌رسد». (طباطبایی، پیشین، ص ۳۶۹). هر کس به قرآن و سنت تمسک کند به حبل الله تمسک نموده است. مسلمانان امروزه اگر بخواهند از ذلت و اسارت خارج شوند و در عرصه بین‌المللی اثرگذار باشند باید اختلافات فرعی را کنار گذاشته و به اصول و اهداف و منافع مشترک فکر کنند و در جهت‌گیری سیاست خارجی خود منافع امت اسلامی را مد نظر قرار دهند.

ب) آیاتی که از تفرقه و اختلاف نهی می‌کند، از جمله آیه ۱۰۵ آل عمران: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ».

ج) آیاتی که مؤمنان را برادر خطاب نموده و بر روحیه برادری در جامعه و امت اسلامی تأکید می‌کند، از جمله آیه ۱۰ سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ».

جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» قانونی را در بین مسلمانان تشریح و رابطه و نسبتی را ایجاد می‌کند که پیش از این وجود نداشت و آن، نسبت برادری است که آثار شرعی، حقوقی و قانونی دارد. اخوت معنایی است که هم می‌تواند طبیعی باشد و هم اعتباری. اخوت طبیعی در شرایع و قوانین هیچ اثری ندارد ولی اخوت اعتباری در اسلام آثاری اعتباری دارد (پیشین، ص ۲۱۵-۲۱۶).

د) آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح ۲۹). در این آیه شریفه دو صفت متضاد به اصحاب و یاران پیامبر نسبت داده شده است که عبارت است از: شدت و رحمت؛ به این معنا که مسلمانان در بین خود باید بر اساس رحمت و رأفت اسلامی رفتار نمایند، چون دین اسلام دین رحمت و عطف است، و در مقابل دشمنان اسلام که قصد نابودی و براندازی امت اسلامی را دارند باید به شدت و غلظت رفتار نمایند. مرحوم علامه طباطبایی می‌نویسد: «والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم، این جمله نیز مرکب است از مبتدا و خبر، پس کلام در صدد است که مؤمنین به رسول خدا ﷺ را توصیف کند به شدت و رحمت که دو صفت متضاد از صفات ایشان شمرده می‌شود. جمله «اشداء علی الکفار» را مقید کرده به جمله «رحماء بینهم» تا توهمی که ممکن

است بشود دفع کرده باشد و دیگر کسی نپندارد که شدت و رحمت نسبت به کفار باعث می‌شود مسلمانان به طور کلی حتی نسبت به خودشان هم سنگ‌دل شوند، لذا دنبال آیه فرمود: «رحماء بینهم» یعنی در بین خود مهربان و رحیم‌اند و این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنین با کفار شدت و با مؤمنین رحمت است» (پیشین، ص ۲۹۹).

در این آیه شریفه یکی از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی به خوبی تبیین شده است و آن این‌که مسلمانان، به خصوص سیاست‌گذاران جوامع اسلامی و دولت‌مردان امت اسلامی، باید در مقابل توسعه‌طلبی کفار و سلطه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنان به شدت رفتار نموده و نگذارند آنان اهداف استعماری و توسعه‌طلبانه خود را در قالب مفاهیمی چون حقوق بشر، آزادی بیان و جهانی‌شدن، بر امت اسلامی تحمیل نمایند. هم‌چنین، باید فرهنگ ناب اسلامی را که برگرفته از قرآن و سنت است با رحمت و عطف در سراسر جهان گسترش دهند، چون امت اسلامی در تمام پهنای زمین پراکنده‌اند و باید ندای اسلام اصیل به آنان برسد و آنان اسلام را از منابع اصیل دریافت نمایند. دینی که مسلمانان را برادر و رحیم و مهربان با هم‌دیگر می‌داند نباید به عنوان حربه تکفیر و نفسیق بازیچه افراد فرصت‌طلب و جاهل قرار گیرد.

## گفتار دوم: وحدت در سنت

وحدت امت اسلامی در پناه حق و عدالت همواره یکی از آرمان‌های دینی پیامبران توحیدی قلمداد می‌شده و بر این اساس یکی از محورهای مهم دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پی‌ریزی شاکله‌های پیدایش آن بوده است. تحلیل رویدادهای تاریخ اسلام گویای آن است که تلاش‌های وسیع و راهبردهای ارزشی آن حضرت صلی الله علیه و آله برای تحقق این هدف کارایی خاص داشته است و ایشان با شناخت دقیق ظرفیت‌های اجتماعی حاکم بر جامعه، ابزارهای شایسته‌ای برگزید تا همگان را به سوی ایجاد وحدت و تحقق عدالت متمایل گرداند. طرح پیمان نامه عمومی مدینه بهترین راه برای ایجاد یک وحدت عمومی و القای روحیه هم‌بستگی دینی بود (رستمی‌زاده، ص ۳۰۵).

خداوند مسلمانان را به پیروی و اطاعت از خدا و رسول و پذیرش ولایت آنها و رجوع به خدا و رسول، هنگام اختلاف در امور، دعوت می‌کند که به طور معین، پیروی از خدا یعنی پیروی از قرآن و پیروی از رسول یعنی الگو گرفتن و متابعت از سنت (قول، فعل و تقریر پیامبر اسلام)، نزد اهل سنت، و علاوه بر آن قول، فعل و تقریر ائمه اطهار علیهم‌السلام نزد اهل تشیع، و پیروی و اطاعت از رسول به دنبال پیروی و اطاعت از خدا می‌آید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فاتتهوا». پیامبر گرامی اسلام، از بعثت تا وفات، همواره در آموزش‌ها و تعالیم خود و در عمل، در

جهت نفی تفرقه و اختلاف و تحکیم پایه‌های وحدت و هم‌بستگی و اخوت و هم‌دلی میان مسلمانان و حتی تفاهم با غیرمسلمانان و غیرمعارضین از اهل کتاب و غیره گام نهاده است. شعار اساسی توحید که پیامبر ﷺ در ابتدای دعوت خود آن را اعلام نمود، به بهترین وجه گویای دعوت دو جانبه توحیدی (نفی معبودهای منشأ تفرقه و اثبات خدای منشأ وحدت و یگانگی) آن حضرت بود. (پیشین، ص ۷۹).

پیامبر برای مسلمانان یک سری حقوق و تکالیف قرار داده است که در صورت عمل به آن زمینه وحدت و هم‌دلی در جامعه اسلامی آماده می‌شود.

وی می‌فرماید: «المسلم اخ المسلم لا یظلمه ولا یخذله ولا یخونه ویحق علی المسلمین الاشهاد فی التواصل والتعاون علی التعاطف و المواساة لاهل الحجة» (کلینی، ۱۹۷۲م، ج ۲، ص ۲۴).

هم‌چنین، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الاسلام شهادة ان لا اله الا الله والتصديق برسول الله به حققت الدماء وعلیه جرت المناکح والمواریث و علی ظاهرها جماعة الناس» (پیشین، ص ۲۵).

و در حدیث دیگری می‌فرماید: «الاسلام هو الظاهر الذی علیه الناس شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمد عبده ورسوله واقام الصلوة وایتاء الزکاة وحج البيت وصیام شهر رمضان فهذا الاسلام» (پیشین، ص ۱۹۲۲).

هر کس به این امور ملتزم باشد مسلمان محسوب می‌شود و دارای حقوق و تکالیف اسلامی بوده و خون و مال او محترم می‌باشد.

### وحدت در سیره

سیره عملی پیامبر ﷺ درباره وحدت مسلمین، از همان ابتدا و به عنوان اولین گام، در اعلام شعار توحید، متجلی گردید. پیامبر ﷺ اعراب بادیه‌نشین را که به نفاق و دورویی معروف بودند تحت لوای خود گرد آورد و میان آنها الفت ایجاد نمود و تعصب‌های جاهلیت را از میان برد و کینه‌های ریشه گرفته در روزگاران قدیم را در میان آنها محو نموده و آنها را مطیع فرمان خود و دستور قرآن نمود، و به این طریق یک دولت نیرومند مرکزی و یک ملیت مبتنی بر هم‌کیشی و اسلامیت به نام «امت» در عربستان به وجود آورد. (پیشین، ص ۸۸۷).

### الف) بنای مسجد

در سیره عملی پیامبر ﷺ تلاش‌های زیادی به چشم می‌خورد که در راستای ساختن امت و ایجاد وحدت و هم‌دلی در جامعه اسلامی صورت گرفته است. این هدف والا حضرت را بر آن داشت



که پیش از هر کاری، برای مسلمانان یک مرکز عمومی به نام مسجد بسازد که کارهای آموزشی و پرورشی، سیاسی و قضایی در آن انجام گیرد. از آنجا که یکتاپرستی و توحید در سرلوحه برنامه پیامبر اسلام قرار داشت...، لازم بود وی مرکزی به وجود آورد که عموم اعضای حزب اسلام (حزب الله) در هر هفته روز معینی در آنجا دور هم گرد آیند و در مصالح اسلام و مسلمانان به مشورت بپردازند و علاوه بر اجتماع روزانه، در هر سال عموم مسلمانان در آنجا دوبار نماز عید بگزارند».

(سبحانی، ۱۳۸۳ ش، ص ۴۳۹).

#### ب) عقد مواخات

پیامبر گرامی اسلام برای تحکیم پایه‌های اجتماعی مسلمانان و زمینه‌سازی تشکیل نظام سیاسی اسلام بر بنیان مرصوص و محکم، روحیه همکاری و ایثار را در بین مسلمانان تقویت بخشید و از جمله، به انجام عقد مواخات و برادری بین مسلمانان اقدام نمود. «اهمیت عقد مواخات در شرایط سال نخست هجرت کاملاً قابل درک است. این مسئله در درجه اول برای حمایت از مهاجران بی‌سرپناه بوده است، لذا نقل شده است که: «اخی رسول الله بین اصحابه اخی بین الفقیر والغنی لیرد الغنی علی الفقیر» (جعفریان، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۴۳۵) «رسول خدا وقتی به مدینه آمد، میان اصحاب خود عقد مواخات بست تا وحشت غربت را از میان آنان بردارد و پس از مفارقت اهل و عیال، آنان را با یکدیگر مأنوس سازد و برخی را کمک برای دیگران قرار دهد اما زمانی که اسلام عزت یافت قلوب با یکدیگر انس یافت و وحشت از میان رفت. خداوند آیه اولوالارحام را نازل کرد و همه مؤمنان را با یکدیگر برادر ساخت» (پیشین، ص ۴۳۵). امام خمینی علیه السلام در این مورد می‌نویسد: «پیغمبر اسلام می‌خواست در تمام دنیا وحدت کلمه ایجاد کند؛ می‌خواست تمام ممالک دنیا را تحت یک کلمه توحید، در تحت کلمه توحید تمام ربع مسکون را قرار بدهد، منتها اغراض سلاطین آن وقت از یک طرف و اغراض علمای نصارا و یهود و امثال ذلک از طرف دیگر سد شد» (امام خمینی، ج ۲ و ۳، ص ۳۴).

#### ج) قانون اساسی مدینه

پیامبر گرامی اسلام، در جهت تأسیس نظام سیاسی اسلام گام‌های تدریجی بر می‌داشت که بعد از بنای مسجد و عقد اخوت، در مرحله سوم، میثاق مدینه را به وجود آورد. «در چنین شرایطی پیامبر وارد مدینه شد و مسایل و معضلات سیاسی، اجتماعی مهمی وجود داشت که می‌بایست بر اساس اسلام حل شود پیامبر در جهت تأسیس جامعه اسلامی و امت اسلامی، باشکستن همه مرزها، تنها مرز را اسلام قرار داد و بر اساس دعوت اسلامی، دسته‌های مختلف را متحد کرد. یکی از طرق متحد

کردن آنها نیز انعقاد پیمان‌ها بود... پیامبر ﷺ پیمانی میان مهاجران و مردم مدینه اعم از مسلمان و یهود و دیگران منعقد ساخت، منتهی براساس اسلام و با حاکمیت سیاسی مسلمین و تحت ولایت خود پیامبر ﷺ که به موجب آن، روابط طرفین بر مبنای دوستی استوار می‌شد و در حقیقت وحدت قومی را به وحدت دینی تبدیل می‌کرد» (موتقی، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۱۰، هم. رک: ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۷ و سبحانی، پیشین، ص ۴۴۹ به بعد).

در سیره عملی و نظری پیامبر گرامی اسلام، وحدت از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که مسلمانان، به خصوص سیاست‌گذاران کشورهای اسلامی، اگر در سیاست‌گذاری خود به آن عمل نمایند و بر محور قرآن و سنت جمع شوند و ارزش‌های اسلامی را در اولویت سیاست‌گذاری خود قرار بدهند به طور قطع در عرصه بین‌المللی کارایی مطلوب خواهند داشت، چون تنها قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی است که می‌تواند همه را دور هم جمع نماید و از ملت‌های پراکنده، امت واحده اسلامی بسازد.

### گفتار سوم: وحدت در نهج البلاغه:

علی رضی الله عنه بعثت پیامبر را نعمت بزرگی می‌داند که به مردم ارزانی شده است: «فانظروا الی مواقع نعم الله علیهم حین بعث الیهم رسولا فعقد بملته طاعتهم وجمع علی دعوته الفتهم کیف نشرت النعمة علیهم جناح کرامتها واسالت لهم جداول نعیمها، والتفت الیهم بهم...»؛ به وضع نعمت‌هایی که خدا به آنان بر اثر بعثت پیامبر ﷺ ارزانی داشت دقت کنید، فرمان‌برداری از یک‌دیگر را با آیین خود و محبت را با دعوت خویش میان آنان گسترش داد. نعمت پیامبر چگونه بال و پر عظمت را بر آنان گسترد و جوی‌های نعمت‌های خود را بر آنان روان ساخت و ملت را در پرتو برکت آیین خود متحد ساخت، در نتیجه غرق در نعمت شدند و در لاله زار زندگی سرخوش گردیدند.

اوضاع عمومی در اثر وحدت ملت، تحت نظر زمامداری نیرومند نشاط پیدا کرد و آنان را در عزت و پیروزی قرار داد و امور آنان تحت نظر حکومتی ثابت و عالی نیرو گرفت، در نتیجه، زمامداران جهان و فرماندهان اقلیم جهان گردیدند و بر مردمی که بر آنان ریاست می‌کردند رئیس شدند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۶، ص ۱۱۴۷-۱۱۴۸).

در جایی دیگر وضعیت عمومی مردم را در هنگام بعثت تبیین نموده و می‌فرماید: «و اهل الارض یومیذ ملل متفرقة واهواء منتشرة وطرایق متشتتة بین مشبه لله بخلقه او ملحد فی اسمہ او مشیر الی غیره فهداهم به من الضلالة و انقذهم بمكانه من الجهالة؛ در آن روز ملت‌های روی زمین با هم مخالف و دارای هوس‌های متفاوت و عقاید متعدد بودند، دسته‌ای خدا را با مخلوق خود شبیه

می‌دانستند و دسته‌های دیگر به خدا عقیده نداشتند و دسته سوم دیگری را عبادت می‌کردند؛ در چنین شرایطی خداوند مردم را به وسیله محمد ﷺ از گمراهی نجات داد و به وسیله شخصیت آن حضرت ملت را از نادانی‌های بخشید» (پیشین، خطبه ۱۵۴).

علی علیه السلام که اندیشه، گفتار و کردارش بر اساس تقوا و در جهت اصلاح امور امت بود، پس از ماجرای سقیفه و در دوران خلافت ابوبکر، از همان ابتدا بین خود و دیگر منتقدین و مخالفین، مرز بندی کرد و بر خلاف اکثر آنها که به خاطر مطامع دنیوی تلاش می‌کردند، به گونه‌ای عمل کرد که به اساس اسلام و نظام نو بنیاد اسلامی و امت، لطمه‌ای وارد نشود و دچار تجزیه و شقاق نگردد. «جماعتی از سران مهاجرین در محضر علی علیه السلام گرد آمدند، هر کدام به نوبت سخنان آتشینی گفتند، و از پیشامد سقیفه نارضایتی اظهار کردند، بعضی نظرشان فقط طرفداری علی علیه السلام بود که او را شاخص حق می‌دیدند، برخی دیگر از خلافت ابوبکر دل‌تنگ بودند، دسته دیگر در هراس و اضطراب بودند که سیادت عرب از خانواده بنی امیه و بنی هاشم بیرون رفته و در میان مردمی بی‌سابقه در سروری، جای گرفته، ابی سفیان از همین دسته بود که محرکش در این اجتماع جز عصیت قومی و باز پس گرفتن سیادت از دست‌رفته بنی‌امیه نبود.» (سعیدی، ص ۲۸؛ هم‌چنین ر.ک: ابن هشام، پیشین، ص ۱۴۷ و سبحانی، پیشین).

### گفتار ششم: ضرورت وحدت دولت‌های اسلامی

ضرورت وحدت و هم‌گرایی امت اسلام امری انکارناپذیر و خواسته همه افراد مسلمان است. در حقیقت، وحدت، اصلی از اصول طبیعت و نظام آفرینش و منطبق بر فطرت انسانی و از ضروریات حکم عقل است.

بنابراین، اگر وحدت امت اسلامی بر مبنایی درست شکل بگیرد، وحدت نوع بشریت نیز آسان خواهد بود، زیرا در تعالیم دینی ظرفیت‌هایی وجود دارد که اگر امت اسلامی به آنها متوسل شود می‌تواند دست بشریت را گرفته و آنها را از منجلا ب نفاق و تفرقه نجات دهد و حرکت کاروان انسانیت را به سمت و سوی بهتر و با ثبات‌تر هدایت نماید. امت اسلامی دارای ظرفیت‌های فکری، اعتقادی و حقوقی فراوانی است که می‌تواند گره‌گشای مشکلات بشریت امروز باشد. افزون بر آن، امت اسلامی بزرگ‌ترین جمعیت جامعه جهانی را تشکیل می‌دهد که در سرا سر پهنای زمین پراکنده است و می‌تواند زمینه‌ساز وحدت در جامعه جهانی بر محور توحید و جهان‌بینی الهی شود.

ولی با توجه با توان‌مندی امت اسلامی و نبود وحدت در جهت‌گیری سیاسی دولت‌های اسلامی،

امت اسلامی بر سر دوراهی قرار دارد؛ یا باید وحدت و هم‌بستگی اسلامی را ایجاد و بر استمرار و عملیاتی شدن آن تلاش نماید و یا هویت دینی و اسلامی خود را به فراموشی بسپارد، که در این صورت، نتیجه‌ای جز اسارت و ذلت برای او در پی نخواهد داشت. برای عملیاتی شدن وحدت امت اسلامی و وحدت در سیاست‌گذاری دولت‌های اسلامی می‌توان انگیزها و زمینه‌های متعددی را مطرح کرد «چون وظیفه سیاست خارجی یا ایدئولوژی یک دولت را می‌توان به عنوان دستورالعمل ماندگار یا سنتی ناشی از یک پارچه کردن مجموع تجربیاتی دانست که از ره‌گذر تلفیق و متوازن کردن عناصری هم‌چون نیازهای اقتصادی، ضرورت‌های ژئوپلیتیک، افکار عمومی داخل و توان ظرفیت‌های دولت به واسطه نخبگان حکومتی اندیشیده می‌شود. نقش و وظیفه مستلزم یک هویت است و تعیین‌کننده جهت‌گیری دولت نسبت به همسایگان و قدرت‌های بزرگ» (الوسیثر هینوش، ۱۳۸۲، ص ۴۳). تحقق وحدت امت اسلامی در جهت‌گیری‌های سیاسی می‌تواند جهان اسلام را به عنوان قدرت اثرگذار در عرصه بین‌المللی مطرح نماید و از انزوای فعلی - که در ساختار حقوقی - سیاسی و ساختار امنیت جهانی نقش ندارد - بیرون نماید.

«وحدت امت اسلامی تنها از طریق اجتماع به زیر پرچم توحید اسلامی و تأسی به قرآن و عترت امکان‌پذیر است و این وجهی از وجوه تفکر اسلامی است که نه به دلیل فشارهای محیطی همچون اجبار حکام، منافع سرزمینی و اقتصادی و غیره، بلکه به دلیل زیر بنای ایدئولوژیکی آن تحقق‌پذیر است» (ره‌نورد، ۱۳۷۴، ص ۵۰).

امام خمینی به عنوان یکی از متفکران برجسته معاصر که به تشکیل امت واحده و تحقق عینی وحدت امت اسلام می‌اندیشید، در حوزه عمل و اندیشه در جهت تحقق این آرمان تلاش‌های زیادی نمود. وی راه تحقق امت واحده اسلامی را تمسک به قرآن و عترت دانسته و می‌گوید: «اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را عرب را و عجم را ترک را و فارس را همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلامی در دنیا برقرار کند... نقشه‌های قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که قشرهای مسلم را که خداوند تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است و مؤمنان را به اخوت دعوت فرموده است از هم جدا کنند و ملت ترک و ملت کرد و ملت عرب و ملت فارس را از هم جدا کنند بلکه با هم دشمن کنند و این درست بر خلاف مسیر اسلام و مسیر قرآن است. تمام مسلمین با هم برادر و برابرند و هیچ یک از آنها از یک‌دیگر جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم توحید باید باشند» (امام خمینی، پیشین، ج ۱۲، ص ۱۲۲).

در نگاه امام خمینی تعالیم اسلامی بر محوریت امت اسلامی و برادری و برابری اسلامی استوار است. وی تعدد و اختلاف و دشمنی را در جامعه اسلامی از دسیسه‌های استعمار و

قدرت‌های جهان‌خوار می‌داند که خود برای قلع و قمع نمودن کشورهای ضعیف و سلطه‌پذیر اتحادیه‌های مختلفی تشکیل می‌دهند و مرزهای فیزیکی و جغرافیایی را منحل یا کم‌رنگ می‌نمایند.

متفکران و نخبگان کشورهای اسلامی در صورتی موفق می‌شوند راه‌کاری مناسب و قابل‌قبول در عرصه بین‌المللی ارائه بدهند و جلو‌گسترش سلطه سلطه‌طلبان را بگیرند که از قالب مرزهای مجازی و طبیعی فراتر فکر کنند و به جای اندیشه ملت، اندیشه امت را فراروی خود قرار داده و بر محوریت امت اسلامی تفکر نمایند. «در دنیای امروز وحدت اسلامی موقعی صورت عملی به خود خواهد گرفت که منشور مهم امت اسلامی به عنوان یک اصل برجسته قرآنی و تنها مفهوم جامعه‌شناسی اسلامی مورد نظر و توافق و تعهد عالمان، نظریه‌پردازان، فقها، اندیشمندان و دولت‌مردان ممالک و ملل اسلامی واقع شود. در تاریخ اسلامی واژه بهتری که دکتربین و پدیدده جامعه اسلامی را به صورت جهانی مطرح می‌کند وجود ندارد.

تقریب مذاهب اسلامی یک هدف عالی، ضروری در همسانی و به هم پیوستگی امت اسلامی می‌باشد ولی احیا و تبیین خود منشور امت، به عنوان یک اصل و چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی، حقوقی در بین مسلمانان یک امر حیاتی در دنیای جهان‌شمول امروز است. تأکید ما روی مفهوم و ماهیت عمیق و حقیقی امت اسلامی از این جهت نیست که مسئله را به عنوان یک موضوع فلسفی و واژه‌شناسی مطرح کنیم، بلکه دلیل اصلی آن از آنجا سرچشمه می‌گیرد که اگر اصول جامعه‌شناسی اسلامی را که امت در مرکزیت آن قرار دارد فراموش کرده و در حاشیه گفت‌وگوهای خود قرار دهیم طبیعتاً تسلیم مفاهیم غیر اسلامی و علوم اجتماعی غرب شده و بدون آن‌که خود ملتفت شویم در تله محیط سیاسی فرهنگی دیگران قرار گرفته‌ایم.» (مولانا، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

گرچه مرزهای ملیتی و حدود جغرافیایی که امروزه به دلیل ضرورت ثانوی به عنوان یک واقعیت عینی انکارناپذیر، پذیرفته شده است، اما این ضرورت‌ها را نباید آن قدر جدی گرفت که ارزش‌های اصیل اسلامی را برای حفظ یا کسب این ارزش ثانوی قربانی کرد. در جایی که منافع ملی و سیاسی یک قطعه خاص از سرزمین پهناور اسلامی مورد نظر باشد، برای آن نباید مصالح عامه امت اسلامی را قربانی کرد.

مرحوم علامه طباطبایی که از متفکرین برجسته دوران معاصر اسلام است وجود مرز را از منطقه‌الفراغ اسلام می‌داند که درباره آن دستور خاصی نرسیده و از امور ثابت دین اسلام محسوب نمی‌شود بلکه بستگی به استنباط اسلام‌شناسان و متفکرین جوامع اسلامی دارد. وی می‌نویسد: «وجود جامعه اسلامی تحت یک ولایت یا حکومت‌های مؤتلف و متحد طرح‌هایی است که در

شریعت اسلام دستور مربوط به تعیین یکی از آنها وارد نشده است و حَقاً هم نباید وارد شود، زیرا شریعت تنها متضمن موارد ثابتة دین است و طرز حکومت با تغییر و تبدل جامعه‌ها به حسب پیشرفت تمدن قابل تغییر است... مرز جامعه اسلامی اعتقاد است و بس، نه مرزهای طبیعی و قراردادی» (رهنورد، پیشین، ص ۵۰؛ مولانا، پیشین، ص ۳۰؛ عمید زنجانی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵-۱۱۴ و طباطبایی، بی‌تا، ص ۱۲-۳).

بنابراین، اگر به تعالیم عالیہ اسلامی توجه کنیم «مرزبندی مورد نظر اسلام، مرزبندی عقیدتی است و بر این مبنا اسلام جهان را از لحاظ فکری و عقیدتی به دو منطقه دارالاسلام و دارالحراب تقسیم می‌کند. دارالاسلام شامل جمیع مناطق و سرزمین‌های وسیع و دور افتاده اسلامی می‌گردد. بر این اساس حدود جغرافیایی، سیاسی که امروز در میان دول جهان متداول است بر وطن اسلامی صدق نمی‌کند. بلکه وطن اسلامی با توسعه عقیدتی اسلامی گسترش می‌یابد و از این جهت وطن اسلامی بیشتر به یک امر معنوی هم‌چون خود ایمان و عقیده شباهت دارد. ساکنین وطن اسلامی مجموعه توده مسلمان و غیر مسلمان هستند که همگی ملت واحدی، برای سرزمین بزرگ اسلامی محسوب می‌شوند و اسلام از نقطه نظر وحدت عقیده مسلمانان را برادر می‌خواند و هم‌بیمان آنها را به عنوان یک واحد سیاسی می‌پذیرد. پس دارالاسلام همه انسان‌های معتقد به مبانی اسلامی را در بر می‌گیرد و شامل کلیه گرویدگان این مکتب با هر اختلاف، رنگ و نژاد می‌گردد. در مقابل، دارالکفر به بلاد و سرزمین‌هایی گفته می‌شود که احکام اسلام در آن به اجرا گذاشته نشده و خارج از قلمرو دارالاسلام قرار دارند» (زنجانی، پیشین، ص ۱۱۵-۱۱۴).

مرزبندی اصیل اسلامی مطابق آموزه‌های دینی، همان مرزهای فکری و عقیدتی است. ولی برای مرحله گذار و رسیدن به آن وضعیت مطلوب و آرمانی، مرزهای فیزیکی نیز به رسمیت شناخت شده است، چون در شرایط فعلی مرزهای طبیعی و جغرافیایی در معادلات جهانی حکومت می‌کند و تمام روابط بین‌المللی بر آن استوار بوده و نظم جهانی بر پایه این مرزبندی شکل گرفته و واحدهای سیاسی در چارچوب آن ظهور نموده و به رسمیت شناخت شده و دارای حق و تکلیف در نظام بین‌المللی می‌باشد. ولی برای تحقق وحدت امت اسلامی و کارایی جهان اسلام در عرصه بین‌المللی لازم است توجه به مرزهای جغرافیایی کم‌رنگ شود، زیرا برخی از مشکلات فعلی جهان اسلام از توجه حداکثری به مرزهای سیاسی ناشی می‌شود که در برخی موارد موجب اختلاف و از هم گسستگی جهان اسلام و زمینه‌ساز بهره‌برداری سیاسی قدرتهای فرامنطقه‌ای از اختلافات مرزی می‌شود.

## گفتار چهارم: راه کار تحقق وحدت اسلامی:

الف) کاهش اهمیت ارزش‌های سرزمینی:

کم رنگ کردن اهمیت مرزهای جغرافیایی ساخته دست استعمارگران اروپایی با از بین بردن ترس دولت‌های مسلمان از هم‌دیگر و تبدیل سوءظن‌ها به حسن ظن امکان‌پذیر است، زیرا مسئله مرزهای فیزیکی یکی از ترفندهای استعمارگران و قدرت‌های جهان‌خوار است که همیشه از آن به عنوان حربه‌ای علیه جهان اسلام و کشورهای اسلامی استفاده می‌کنند و زمینه وحدت و همگرایی اسلامی را به چالش می‌کشانند. تجزیه کشورهای اسلامی با مرزهای جعلی و اعتباری یکی از مصایب و مشکلات فراروی سیاست‌گذاران کشورهای اسلامی است.

«از ترفندهای استعمار که مانع اتحاد و هم‌بستگی کشورهای اسلامی می‌شود اختلاف مرزی در بین همین دولت‌های کوچک وابسته، به منظور دوام تنش و برخورد بین دولت‌های دو طرف مرز و زمینه‌سازی برای حضور استعمار تحت عنوان نیروی صلح است. میراث شومی که استعمار در حین عقب‌نشینی از سرزمین‌های مستعمره از خود به جای گذاشت نامشخص کردن مرزهای کشورهای بود. این موضوع سبب اختلاف مرزی بین عراق و ایران گردید که در نهایت منجر به جنگ رژیم عراق علیه ایران شد. دامن زدن به اختلاف مرزی عراق و کویت و تشویق رژیم صدام به اشغال کویت، منجر به جنگ دوم خلیج فارس و حضور رسمی نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه شد. اختلاف مرزی عربستان و یمن و تنش بین دو کشور، اختلاف مرزی بین قطر، عربستان، امارات و هند و پاکستان و بحران کشمیر که ده‌ها سال است این بحران ادامه دارد و تاکنون دو کشور سه بار با هم بر سر کشمیر جنگیده‌اند و مسابقه تسلیحاتی و اتمی دو کشور در همین مسیر پیش می‌رود. اختلاف ترکیه و یونان بر سر قبرس، ترکیه و سوریه بر سر اسکندرون، افغانستان و پاکستان بر سر صوبه، سر حد و خط دیورند و...» (اصغری، ص ۱۶۰-۱۵۹). اینها مواردی است که وحدت امت اسلامی را به چالش می‌کشاند. یکی از متفکران معاصر در این مورد چنین می‌نویسد: «۱- نگه داشتن امت اسلام در عقب‌ماندگی علمی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی و غیره؛ ۲- انتشار تزریق سکولاریسم به نهج غربی‌اش در روحیه دینی اسلامی مردم جهان اسلام؛ ۳- پاره‌پاره کردن جهان اسلام به دولت‌ها و گروه‌ها و تحریک دستجات مذهبی به لحاظ تفاوت‌های جغرافیایی، قومی ملی و حتی تاریخی‌شان، همه این سیاست‌ها در اثر ترسی بوده است که استعمار از دغدغه اتحاد اسلامی داشته است.» (تسخیری، ۱۴۲۷ق، ص ۵۱).

امام خمینی که از تجزیه کشورهای اسلامی توسط استعمارگران رنج می‌برد برای تأمین وحدت امت اسلامی اقدام به مبارزه و تشکیل حکومت نموده و می‌فرماید: «از طرفی وطن اسلام را

استعمارگران و حکام مستبد و جاه طلب تجزیه کرده‌اند. امت اسلام را از هم جدا کرده به صورت چندین ملت مجزا درآورده‌اند، یک زمان هم دولت عثمانی به وجود آمد، استعمارگران آن را تجزیه کردند، روسیه، انگلیس و اتریش و سایر دولت‌های استعماری متحد شدند و با آن جنگ‌ها کردند و هر کدام قسمتی از قلمرو آن را به تصرف خود یا تحت نفوذ درآوردند. گرچه بیشتر حکام دولت عثمانی لیاقت نداشتند و بعضی از آنها فاسد بودند و رژیم سلطنتی داشتند باز این خطر برای استعمارگران بود که افراد صالحی از میان مردم پیدا شوند و به کمک مردم در رأس دولت قرار گرفته با قدرت وحدت ملی بساط استعمار را برچینند. به همین علت، پس از جنگ‌های متعدد در جنگ بین‌الملل اول آن را تقسیم کردند که از قلمرو آن حدود ده تا پانزده مملکت یک وجبی پیدا شد هر وجب را دست یک مأمور یا دسته‌ای از مأمورین دادند. ما برای این که وحدت امت اسلام را تأمین کنیم برای این که وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آنها خارج کنیم راهی نداریم جز این که تشکیل حکومت بدهیم» (امام خمینی، بی تا، ص ۴۲). از نگاه امام خمینی وحدت امت اسلامی و قطع ایادی استعمار از کشورهای اسلامی در صورتی ممکن است که حکومت تشکیل شود و کشورهای اسلامی با سیاست خارجی واحد وارد بازی بین‌المللی شوند.

#### ب) تشکیل پیمان دفاعی مشترک:

اگر زمامداران کشورهای اسلامی در سیاست خارجی خود بازنگری نمایند و به آموزه‌های دینی تمسک نموده و به جای تکیه به بیگانه، قدرت و توان‌مندی خود را باور نمایند، زمینه همکاری و وحدت بیشتر فراهم می‌شود؛ چنان‌چه خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود/۱۱۳). آنها در امور نظامی و امنیتی نباید به مستشاران غیر اسلامی اعتماد کنند و با کشورهای غیر اسلامی پیمان‌های دفاعی منعقد نمایند بلکه باید به قدرت و توان‌مندی خود اعتماد داشته باشند.

با کمال تأسف باید یادآور شد که سیاست‌گذاران امنیتی در کشورهای اسلامی این هشدار دین را نادیده گرفته و به خاطر هراس از کشورهای اسلامی زمینه حضور نیروی فرامنطقه‌ای و غیر اسلامی را در سرزمین اسلامی فراهم می‌نمایند، که این یک نقطه ضعف در سیاست دفاعی کشورهای اسلامی است. شایسته است مسلمانان ارتش منظم اسلامی برای دفاع از کشورهای اسلامی و برقراری امنیت در سراسر جهان اسلام تشکیل دهند؛ «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» (انفال/۶۰). از این آیه شریفه استفاده می‌شود که تشکیل ارتش نیرومند اسلامی جهت مقابله با تهدیدات خارجی و دفاع از کیان اسلام و سرزمین‌های اسلامی، ضرورت دارد.



### ج) تشکیل سازمان علمی - پژوهشی:

همکاری گسترده در به کارگیری نیروهای متخصص و کارشناسان و اساتید علوم و فنون جدید به جای کارشناسان بیگانه به منظور همیاری در توسعه و پیشرفت علم دانش.

مراکز دانشگاهی جهان اسلام باید با تشکیل سازمان علمی - پژوهشی جهانی زمینه تفاهم و درک متقابل را در کشورهای اسلامی فراهم نمایند و اولویت‌های پژوهشی با در نظر داشتن ضرورت امروز در دستور کار پژوهش‌گران قرار گیرد تا از کارهای موازی و هم‌عرض جلوگیری شود و محصولات فکری نیز هماهنگی داشته باشد. همچنین لازم است در تولید دانش و تعریف مفاهیمی مانند آزادی بیان، حقوق بشر، تروریسم و... که به عنوان ابزار سرکوب در دست دشمنان قرار دارد وحدت نظر داشته باشند تا در موضع‌گیری جهانی سیاست‌مداران جهان از مفاهیم حقوقی و سیاسی تعریف واحد داشته باشند.

### د) تشکیل شرکت‌های فراملی:

ایجاد شرکت‌های فراملی با هدف جذب سرمایه‌های معطل و سرمایه‌گذاری در کشورهای اسلامی با رعایت مناسبات و شرایط مناطق و جلوگیری از فرار این سرمایه‌ها به بازارها، بانک‌ها و مراکز صنعتی اروپایی. «توجه به اهمیت فزاینده اقتصاد در عصر حاضر است که محور اصلی بازی و رقابت قدرت‌های سلطه‌گر را تشکیل می‌دهد؛ از این رو، بهره‌گیری از ابزار اقتصادی دیپلماسی از اهمیت جدی برخوردار است. از طریق به کارگیری این ابزار است که کشوری را می‌توان وادار یا تشویق به رفتار خاص یا استمرار آن، یا اتخاذ مواضع خاص نمود» (سجادی، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۷۸). با توجه به وجود ذخایر و منابع طبیعی و ثروت عظیمی که در سرزمین‌های اسلامی وجود دارد کشورهای اسلامی می‌توانند با در پیش گرفتن سیاست واحد در نظام بین‌الملل اثر گذاری قاطع و تعیین‌کننده داشته باشند و نظاره‌گر فجایی که در عراق، لبنان و فلسطین اتفاق می‌افتد نباشند. کشورهای فرمانطقه‌ای و سلطه‌گر برای غارت‌گری و چپاول ثروت امت اسلامی با دامن‌زدن به اختلافات سیاسی وارد منطقه شده و تحت عنوان مبارزه با تروریسم و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی و برقراری صلح و امنیت به غارت ثروت‌های اسلامی می‌پردازند. این در حالی است که یک مسلمان بدون روایت معتبر نمی‌تواند وارد کشوری اسلامی در ورای مرز کشور متبوع خود شود! این مسئله، سیاست‌گذاران کشورهای اسلامی را مکلف می‌سازد که با ایجاد وحدت و هم‌دلی در سیاست‌گذاری، در قبال امت اسلامی احساس تکلیف نمایند.

## و) حذف واگرایی مذهبی:

برنامه‌ریزی دولت‌ها برای حذف واگرایی‌ها و فرقه‌گرایی‌های مذهبی، جلوگیری از ایجاد بدبینی فرقه‌های اسلامی نسبت به یک‌دیگر، حفظ احترام اهل مذاهب مختلف، هم‌سویی و هم‌فکری علما و دانشمندان اسلامی نسبت به گسترش ارزش‌های مشترک اسلامی، حفظ منزلت اسلام با رفتار و گفتار مبتنی بر اندیشه و عقلانیت و پرهیز از حربه تکفیر و تفسیق هم‌دیگر که این حربه امروزه یکی از راهبردهای اصلی قدرت‌های استعماری در جهان اسلام است که با کمال تأسف در برخی کشورها نیز مؤثر واقع شده است. با تکیه به آموزهای دینی می‌توان سیاست خارجی دولت‌های اسلامی را ایدئولوژیک کرد و ایدئولوژی را در سیاست خارجی مبنای قرارداد، گرچه «سیاست خارجی کلیه کشورها مبتنی بر نظریاتی است که از ایدئولوژی، تاریخ و فرهنگ حاکم بر جامعه متأثر می‌گردد و اهداف آنان را در نظام بین‌الملل تعیین می‌کند. ممالک دارای ایدئولوژی معمولاً در تقیید اهداف جهانی هستند و به شکل حکومت‌های جهانی می‌اندیشند. بدین منظور سعی در گسترش نظریات خود مشابه‌سازی در نظام بین‌الملل می‌کنند. به همین سیاق دیده می‌شود ممالکی که داعیه رهبری جهانی دارند نیز تلاش می‌نمایند ارزش‌های فکری خود را تسری داده و واحدهای سیاسی مشابه یا مدافعی ایجاد نمایند. متقابلاً در کشورهایی که ایدئولوژی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده نبوده و اهمیت آن از روند کاهشی برخوردار است، تحولات درون‌مرزی به جدیت بیشتری از وقایع برون‌مرزی دنبال شده و اهتمام بیشتری در تأمین منافع ملی به کار گرفته می‌شود» (فاخری، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۵۶).

همان‌گونه که دیگران براساس خاک، خون و قرارگرفتن در موقعیت جغرافیایی خاص اتحادیه تشکیل می‌دهند، نخبگان و سیاست‌گذاران جهان اسلام نیز باید بر مبنای ایدئولوژی و مکتب فکری جهان شمول اسلام در سیاست‌گذاری خارجی خود حرکتی را آغاز نمایند. «اتحادیه امت اسلامی در قالب یک واحد سیاسی رهایی‌بخش و وحدت‌گرا متشکل از جامعه و حکومت اسلامی است که مفهوم امت ثقل مرکزی این اتحادیه را تشکیل می‌دهد و در حقیقت، چارچوب جامعه‌شناسی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جهان‌شمولی نظامی اسلامی است. مفهوم امت در این‌جا متصل به مفهوم جامعه یا مترادف آن در معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی جامعه غرب نیست. مفهوم امت ابعاد مردم، اجتماع، جامعه، دولت و اقتصاد را در بر دارد؛ بنابراین، اتحادیه امت اسلامی، واحد حکومتی، دولت مردم‌سالاری و بالاتر از همه، مکتب و خداشناسی و ایدئولوژی مسلمانان است. اتحادیه امت اسلامی پیشنهاد شده در این‌جا امت اسلامی واحدی است وحدت‌گرا از مجموع ممالک متحد اسلامی. اتحادیه امت اسلامی، امت متحده اسلام است که نظام «ملت - دولت» را پشت سر گذاشته

و از آن عبور کرده است. مفهوم امت در طرح پیشنهادی اتحاد امت اسلامی، به صورت جامع و گسترده به کار رفته است و شامل تمام جوانب اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حکومتی می‌شود» (مولانا، ۱۳۸۳، ص ۳۶).

### نتیجه گیری:

دین مقدس اسلام نسبت به وحدت بشریت تأکید بسیار نموده است. اصل در زندگی انسانی، وحدت و هم‌بستگی است و اختلاف و تفرقه عارضی است و بر اثر اصطکاک منافع به وجود می‌آید. امروزه که جهان کفر با تمام اختلافاتی که در مبانی فکری و اعتقادی دارند، به خاطر سلطه بر جهان و بلعیدن کشورهای جهان سوم، به خصوص جهان اسلام، به عناوین مختلفی متحد می‌شوند و با ایجاد شرکت‌های فراملیتی و اتحادیه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی می‌خواهند نبض حرکت روبه رشد جهان را در اختیار داشته باشند، بر مسلمانان لازم است بر محور قرآن و سنت جمع شوند، از عظمت و اقتدار اسلامی خود دفاع نمایند و در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی خود درباره منافع و اهداف مشترک بیندیشند و نخبگان و فرزانتگان جهان اسلام با مطالعه و تفکر در متون دینی دور هم جمع شده و نشست‌هایی را برگزار نمایند که در آن سیاست‌های کلی دولت‌های اسلامی بر محور قرآن و سنت و منافع جهان اسلام طراحی و مهندسی شود و برای عملیاتی شدن و اجرایی نمودن راه کارهای پیشنهادی، با دولت‌مردان کشورهای اسلامی تفاهم نمایند و با تصویب قطع‌نامه‌هایی، به اندیشه و تفکر متفکران اسلامی، توسط سران کشورهای اسلامی یا نمایندگان آنان، جنبه اجرایی بدهند تا از تئوری صرف خارج شده و به مرحله عمل و اجرا برسد.

#### الف) تعریف مفاهیم حقوقی بر مبنای دکتترین اسلامی:

کشورهای اسلامی باید در مسایل حقوقی و فرهنگی جهان، مانند حقوق بشر، دفاع مشروع، تروریسم، ملت‌های تحت ستم، جهانی شدن و هزاران مسئله مبتلابه، موضع واحدی داشته باشند که برگرفته از آموزه‌های دینی باشد. اینکه امروزه این مفاهیم حقوقی به عنوان ابزار سرکوب در دست قدرت‌مداران قرار دارد و از آن برای اهداف استعماری خود استفاده می‌کنند به این خاطر است که دولت‌های اسلامی نتوانسته‌اند تعریف حقوقی واحد از این مفاهیم ارائه دهند. بیش از نیم قرن از بحران فلسطین می‌گذرد ولی هنوز مفهوم دفاع مشروع و تروریست مشخص نشده است! فجیع‌ترین جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی در نوار غزه روی می‌دهد ولی دادگاه کیفری بین‌المللی در قبال آن هیچ‌گونه واکنشی نشان نمی‌دهد.

دولت‌های اسلامی با وحدت در سیاست خارجی می‌توانند در نهادهای حقوقی و قضایی بین‌المللی جایگاه داشته باشند و از بروز چنین فجایی جلوگیری نمایند.

در مسایل فرهنگی، به رغم فرهنگ غنی اسلام، هنوز دولت‌های اسلامی فرهنگ مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند تا فرهنگ تولید را! در این چنین وضعیتی، بر نخبگان اسلامی لازم است با تشکیل اطاق فکر تولید و تعریف مفاهیم فرهنگی مورد وفاق، وارد بازار فرهنگ‌سازی شوند و فرهنگ واحد و همگون برگرفته از قرآن و سنت را در جهان ترویج نمایند. همچنین، مدیران اجرایی کشورهای اسلامی نیز باید به جای تعریف آکادمیک مفاهیم، به عملیاتی نمودن مفاهیم تعریف شده در قالب اساسنامه کنوانسیون بپردازند.

ب) اثرگذاری در اقتصاد جهانی: با این‌که بخش بزرگی از ثروت‌های زیرزمینی و مواهب طبیعی، در سرزمین‌های اسلامی قرار دارد، اما امروزه این ثروت‌ها تأمین‌کننده اصلی نیازمندی‌های جهان کفر است. اگر دولت‌های اسلامی در اقتصاد جهانی راهبرد واحدی داشته باشند می‌توانند در تجارت جهانی نیرویی تعیین‌کننده بوده و در تثبیت و کنترل بازار جهانی اثرگذار باشند.

ج) امنیت جهانی: این‌که امروز دولت‌های اسلامی در امنیت جهانی نقش ندارند به این دلیل است که در شورای امنیت که رکن اصلی سازمان ملل است نقش اثرگذار ندارند. اگر دولت‌های اسلامی با وحدت و هم‌دلی به مسایل جهانی بنگرند می‌توانند در امنیت جهانی تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده باشند، زیرا از نظر جمعیت، موقعیت‌های استراتژیکی و منابع طبیعی و نیروی انسانی کارآمد، در آن حدی هستند که بتوانند در معادلات جهانی تحول ایجاد نمایند و از حق وتویی که دیگران از آن برخوردار هستند برخوردار شوند. این آرمان در صورتی برآورده می‌شود که نگاه کشورهای اسلامی به مسایل جهانی فراتر از محدوده کشورهای متبوع باشد.

### منابع و مأخذ:

- ۱ - قران مجید.
- ۲ - نهج البلاغه، ترجمه مصطفی زمانی، انتشارات فاطمة الزهراء، قم.
- ۳ - ابن هشام، سیرة النبویه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
- ۴ - اصغری، محمد جواد، «آسیب شناسی انسجام اسلامی»، مجله کوثر معارف، سال سوم، ش ۴.
- ۵ - الوسیش هینبوش، المیوند، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه علی گل محمدی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۲ ش.

- ۶ - امام خمینی، روح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۷ - \_\_\_\_\_، روح الله، ولایت فقیه و حکومت اسلامی، بی نا، بی جا، بی تا.
- ۸ - انطوان نعمه و دیگران، المنجد، دار المشرق، بیروت، ۲۰۰۰ م.
- ۹ - بابایی، غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۰ - تسخیری، محمد علی، «عقبات فی الطريق التقریب»، مجله تقریب، ش ۵۸، ۱۴۲۷ ق.
- ۱۱ - جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۲ - رستمی زاده، رضا، زمینه های ایجاد وحدت و عدالت اسلامی برگرفته از حکومت اسلامی پیامبر در مدینه، انتشارات مجمع تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۳ - رهنورد، زهرا، اقتضای حکومت اسلامی در شرایط معاصر، تحقق دولت بزرگ اسلامی با حفظ استقلال دولت های سرزمینی، مجموعه مقالات کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی، نشر عروج، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۴ - سبحانی جعفر، اندیشه های جاوید، مؤسسه امام صادق (تدوین اکبر اسدعلی زاده) قم، ۱۳۸۲ ش.
- ۱۵ - \_\_\_\_\_، فروغ ابدیت، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۶ - سجادی، سید عبد القیوم، فصل نامه علوم سیاسی، ش ۲۰، ۱۳۸۱ ش.
- ۱۷ - سریع القلم، محمود، عقل و توسعه یافتگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- ۱۸ - سعیدی، غلامرضا، داستان هایی از زندگی پیامبر، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۶۹ ش.
- ۱۹ - شرف الدین، عبدالحسین، الفصول المهمه فی تألیف الامه، مجمع جهانی اهل بیت، تهران، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۰ - طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی التفسیر القرآن، مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق.
- ۲۱ - \_\_\_\_\_، بررسی های اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.
- ۲۲ - عمید زنجانی، عباسعلی، وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن از دیدگاه فقه اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.

- ۲۳ - فاخری، مهدی، سازمان جهانی تجارت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- ۲۴ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۹۷۲ م.
- ۲۵ - مدنی، سید جلال الدین، حقوق بین‌الملل عمومی، نشر پایه دار، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۶ - \_\_\_\_\_، کلیات علوم سیاسی، نشر پایه دار، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۲۷ - موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۸ - مولانا، حمید، «اتحادیه امت اسلامی» (طرحی در پیامد و ساختار جهان‌شمولی اسلام)، مجله اندیشه تقریب، سال اول، ش ۱، زمستان ۱۳۸۳ ش.
- ۲۹ - \_\_\_\_\_، جهان اسلام و چالش‌های معاصر، انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۳۰ - یعقوب، حسن احمد، اهل بیت محور وحدت، ترجمه عباس جلالی، انتشارات بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۴ ش.

